www.INN.ir/sport
• یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ • ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۲۵۸
iranvarzeshii
Iran Varzeshi Newspaper
ایران ورزشی
• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۰۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

آموزش مربیان؛ ریشه یا بهانه؟

بخش مهمی از انتقادها به نظام آموزش مربیان در فوتبال ایران بازمی‌گردد. متخصصان آموزش فوتبال از صدور بی‌رویه مدارک مربیگری و ناکارآمدی شیوه‌های آموزشی انتقاد می‌کنند؛ شیوه‌هایی که به باور آنها، مربیان را با الگوهای تاکتیکی قدیمی وارد فوتبال حرفه‌ای می‌کند. امسال دوره پرولایسنس از سوی فدراسیون برگزار شد و پرسش اصلی این است که چند مربی پس از دریافت این مدرک توانسته‌اند سبک بازی تیم خود را تغییر دهند؟ چه سازوکاری برای ارزیابی عملکرد مربیان پس از پایان دوره وجود دارد؟ آیا مدرک مربیگری در ایران صرفاً مجوز ورود به این حرفه است یا بخشی از یک نظام ارزیابی مستمر به شمار می‌رود؟

مدرک مربیگری در ایران بیشتر به مجوز ورود تبدیل شده تا معیاری برای سنجش دانش و توانایی فنی. همچنین، برخی کارشناسان مدیریت ورزشی پیش‌تر تأکید کرده‌اند که اصول باشگاهداری و مدیریت حرفه‌ای در کلاس‌های مربیگری به‌اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

این انتقادها لزوماً به معنای بی‌ارزش بودن دوره‌های آموزشی نیست، بلکه نشان می‌دهد آموزش مربیگری را نمی‌توان تنها به تعداد ساعات کلاس و دریافت مدرک محدود کرد.

هزینه دستیار خارجی؛ راه‌حل ناپایدار



استفاده از دستیار خارجی هزینه‌هایی دارد که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. دستیار خارجی معمولاً حقوق خود را به ارز دریافت می‌کند و در شرایط تحریم، نوسانات ارزی و مشکلات مالی باشگاه‌ها، پرداخت منظم این هزینه‌ها دشوار است.

از سوی دیگر، وابستگی به یک فرد می‌تواند باعث شود با خروج او، بخشی از دانش فنی نیز از باشگاه خارج شود. اگر باشگاه‌ها به‌جای سپردن تمام مسئولیت‌های تخصصی به یک دستیار خارجی، ساختار فنی دائمی ایجاد کنند و از تحلیلگران، مربیان بدنسازی و مربیان تخصصی بهره ببرند، دانش در اختیار باشگاه قرار می‌گیرد، نه صرفاً یک فرد. این همان تفاوتی است که میان ساختار فنی پایدار در برخی باشگاه‌های اروپایی و عربی با وضعیت بسیاری از باشگاه‌های فوتبال ایران دیده می‌شود.

وقتی نام، جای دانش می‌نشیند



پرسش اصلی این گزارش، نسبت میان شهرت و دانش فنی است. نام بزرگ یک بازیکن سابق معمولاً در انتخاب مربی از سوی مدیران باشگاه تأثیرگذار است؛ چراکه شهرت می‌تواند فضای رسانه‌ای و هواداری را آرام کند و به مدیران فرصت بیشتری برای تصمیم‌گیری بدهد. اما چنین انتخابی، اگر با ارزیابی فنی همراه نباشد، ممکن است به شکست منجر شود.

فوتبال ایران نمونه‌هایی از بازیکنان بزرگ دارد که در عرصه مربیگری موفق نبوده‌اند و در مقابل، مربیانی نیز حضور دارند که بدون برخورداری از سابقه درخشان بازیگری، عملکرد قابل‌قبولی ارائه کرده‌اند. بنابراین، سابقه بازیگری به‌تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب مربی باشد.

استثناها و نمونه‌های امیدوارکننده





یحیی گل‌محمدی نمونه‌ای از مربیان ایرانی است که برای مدتی طولانی به‌عنوان مربی‌ای به‌روز و موفق شناخته می‌شد.

او با پرسپولیس قهرمانی‌های متعددی به دست آورد و از حضور دستیار خارجی نیز به‌شکلی هدفمند بهره گرفت. مربیانی مانند مطهری و ربیعی نیز که در فولاد و تراکتور فعالیت کرده‌اند، اغلب به‌عنوان چهره‌هایی علاقه‌مند به دانش روز معرفی می‌شوند. حتی در خارج از ایران، منصوریان نشان داده است که می‌توان با منابع محدود، تیمی منظم ساخت.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که مسأله اصلی، ایرانی بودن مربی نیست؛ بلکه تعداد مربیان آماده، کیفیت آموزش، شرایط کاری و فرصت‌هایی است که برای رشد آنها فراهم می‌شود.

سرمربیان ایرانی جای خارجی‌ها را گرفتند، اما فاصله فنی پابرجاست

شهرت داخلی، دانش وارداتی



عکس: ایمنا

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

هیچ‌کس نمی‌تواند استعداد فوتبال ایران را انکار کند؛ نه در زمین مسابقه و نه روی نیمکت‌ها! اما پرسش اصلی این است که آیا این استعداد در عرصه مربیگری نیز به همان اندازه رشد کرده و به دانش فنی و توانایی‌های روزآمد تبدیل شده است؟

در فصل بیست‌وششم لیگ برتر، برای دومین بار در تاریخ این رقابت‌ها، هر ۱۸ تیم با سرمربی ایرانی وارد مسابقات شده‌اند و هیچ سرمربی خارجی در لیگ حضور ندارد. فصل گذشته، استقلال با ریکاردو ساپینتو و تراکتور با داراگان اسکوچیچ رقابت‌ها را آغاز کردند و اوسمار ویرا نیز در ادامه فصل جایگزین هاشمیان در پرسپولیس شد.

غیبت مربیان خارجی فرصتی برای اثبات توانایی مربیان داخلی فراهم کرده است؛ اما آیا این اتفاق نشانه پیشرفت فوتبال ایران است یا حاصل مشکلات مالی، شرایط جنگی و محدودیت‌های جذب مربی خارجی؟ مسأله مهم‌تر اینکه آیا مربیان ایرانی بدون حضور دستیاران خارجی می‌توانند به سطحی از دانش و توانایی فنی برسند که با نام و اعتبارشان تناسب داشته باشد؟

چرا مربی خارجی نیامد؟

پیش از قضاوت درباره عملکرد مربیان ایرانی، باید دلایل غیبت همکاران خارجی آنها را بررسی کرد. مشکلات مالی باشگاه‌ها، شرایط منطقه‌ای و جنگ، محدودیت‌های جذب مربیان خارجی و سیاست‌های مدیریتی در انتخاب کادر فنی، مجموعه عواملی هستند که در شکل‌گیری این وضعیت نقش داشته‌اند.

بنابراین، نمی‌توان حضور ۱۸ سرمربی ایرانی را به‌تنهایی یک دستاورد برای فوتبال کشور دانست. اعتماد به مربیان داخلی زمانی ارزشمند است که حاصل برنامه‌ریزی و انتخاب آگاهانه باشد، نه نتیجه محدودیت‌هایی که امکان جذب گزینه‌های خارجی را از باشگاه‌ها گرفته است.

فهرست مربیان لیگ نیز نکته قابل‌توجهی دارد. هیچ‌یک از سرمربیان حاضر بالای ۶۰ سال نیستند و میانگین سنی آنها نسبتاً پایین است. مهدی تارتار که فعالیت سرمربیگری خود را از هفته‌های پایانی لیگ هشتم در راه‌آهن آغاز کرد، حالا برای اولین بار هدایت پرسپولیس را برعهده گرفته است. در کنار او، مربیانی چون بختیاری‌زاده، جواد نکونام، محرم نویدکیا و محمد ربیعی نیز روی نیمکت تیم‌های مختلف حضور دارند.

بخش مهمی از نیمکت‌های لیگ در اختیار بازیکنان سابق فوتبال ایران است؛ افرادی که شهرت و سابقه بازیگری قابل‌توجهی دارند. اما آیا این اعتبار با دانش فنی، توانایی تاکتیکی و مهارت مدیریت تیم همراه شده است؟ تجربه بازیگری می‌تواند پشتوانه ورود به مربیگری باشد، اما موفقیت روی نیمکت به مهارت‌هایی فراتر از افتخارات دوران بازی نیاز دارد.

کاهش حضور مربیان خارجی، پرسش‌هایی جدی درباره فاصله فنی باشگاه‌های ایرانی با رقبای آسیایی ایجاد می‌کند. نتایج ضعیف برخی نمایندگان ایران، از جمله گل‌گهر با مهدی رحمتی و تراکتور با نکونام در رقابت‌های آسیایی، بار دیگر بحث سطح دانش مربیان داخلی را مطرح کرده است. تیم‌های عربستانی و قطری نیز با بهره‌گیری از مربیان و کادرهای فنی بین‌المللی، فاصله خود را با فوتبال ایران افزایش داده‌اند. البته امکانات، کیفیت بازیکنان و ساختار مدیریتی نیز در این مقایسه اهمیت دارند، اما نمی‌توان نقش دانش مربیگری را نادیده گرفت.

دستیار خارجی؛ الگویی که تکرار می‌شود

شاید عملکرد تیم محرم نویدکیا و استقلال تحت هدایت سهراب بختیاری‌زاده نمونه‌هایی برای اثبات توانایی مربیان ایرانی باشد؛ اما بررسی ترکیب کادر فنی این تیم‌ها، بار دیگر نقش دستیاران خارجی را برجسته می‌کند. اوزجان بیزاتی و گابریل پین در شکل‌گیری روند فنی این تیم‌ها نقش قابل توجهی داشتند. هرچند پین از سپاهان جدا شد، اما تأثیر او در شکل‌گیری ساختار دفاعی این تیم انکارناپذیر بود.

این الگو در فوتبال ایران بارها تکرار شده است. فرهاد مجیدی با گابریل پین، دستیار ایتالیایی خود، قهرمانی لیگ را تجربه کرد و گزارش‌هایی درباره نقش مهم پین در سازماندهی دفاعی استقلال منتشر شد. یحیی گل‌محمدی نیز در پرسپولیس با اوسمار ویرا همکاری داشت و محرم نویدکیا از دانش پین در سپاهان بهره برد. سهراب بختیاری‌زاده نیز ماریو توکیچ را در کنار بیزاتی به کادر فنی خود اضافه کرد.

این همکاری‌ها دو برداشت متفاوت ایجاد می‌کنند. نگاه انتقادی معتقد است مربی ایرانی برای رسیدن به موفقیت همچنان به دانش و تجربه دستیار خارجی وابسته است. نگاه حرفه‌ای‌تر اما استفاده از متخصصان مختلف را بخشی از فوتبال مدرن می‌داند؛ چراکه هیچ سرمربی‌ای نمی‌تواند در تمام حوزه‌های فنی، بدنی، روان‌شناسی و آنالیز عملکرد، تخصص یکسانی داشته باشد.

مسأله اصلی، حضور یا غیبت دستیار خارجی نیست؛ بلکه نحوه استفاده از دانش اوست. آیا تجربه و تخصص این مربیان به سرمربی ایرانی و ساختار باشگاه منتقل می‌شود یا با پایان همکاری، دستاوردهای فنی نیز از بین می‌رود؟

فوتبال ایران برای عبور از این چرخه تکراری به برنامه‌ای فراتر از جذب مقطعی مربیان خارجی نیاز دارد. اعتماد به مربی ایرانی زمانی به یک دستاورد واقعی تبدیل می‌شود که با آموزش مستمر، انتقال دانش و ایجاد ساختارهای فنی پایدار همراه باشد. اما پرسش اساسی همچنان پابرجاست: آیا مربیان ایرانی به پشتوانه دانش و توانایی فنی خود روی نیمکت‌ها نشسته‌اند یا هنوز اعتبار نام‌ها و تجربه دستیاران خارجی است که فاصله میان انتظارات و واقعیت را پنهان می‌کند؟

مدیران؛ ضلع فراموش‌شده

وقتی از ضعف مربیان صحبت می‌کنیم، نمی‌توان مدیران باشگاه را نادیده گرفت.

مدیری که مربی را بدون معیار مشخص انتخاب می‌کند، پس از چند هفته او را برکنار می‌کند و همان مربی را دوباره در باشگاه دیگری به کار می‌گیرد، در واقع به تداوم چرخه بی‌ثباتی کمک می‌کند.

اگر قرار باشد کیفیت فنی فوتبال ایران افزایش پیدا کند، تصمیم‌گیری در باشگاه‌ها نیز باید حرفه‌ای‌تر شود.

تعیین معیارهای روشن برای انتخاب مربی، در نظر گرفتن دوره آزمایشی مشخص، تنظیم قراردادهای مبتنی بر اهداف فنی و ارزیابی میان‌فصل می‌تواند به افزایش ثبات کمک کند. در غیر این صورت، حتی بهترین مربی نیز در چنین فضایی فرصت کافی برای ساختن تیمی منسجم نخواهد داشت.

نسل تازه؛ آیا تغییری در راه است؟



نشانه‌هایی از تغییر در فوتبال ایران دیده می‌شود. میانگین سنی مربیان لیگ کاهش یافته، تعدادی از آنها مدارک بالاتر مربیگری دارند و کمیته آموزش فدراسیون نیز از برنامه دعوت مدرس بین‌المللی خبر داده است. اگر این برنامه‌ها به‌درستی اجرا شوند و ارتباط میان آموزش و میدان مسابقه شکل بگیرد، ممکن است در سال‌های آینده نسل تازه‌ای از مربیان به فوتبال ایران معرفی شود؛ نسلی که وابستگی کمتری به حضور دستیار خارجی داشته باشد و بتواند دانش فنی را در ساختار باشگاه حفظ کند. البته این تغییر به زمان و ارزیابی نیاز دارد. اگر امروز تنها به تعداد کلاس‌ها و مدارک نگاه کنیم، ممکن است در آینده نیز با همان پرسش‌های فعلی روبه‌رو شویم.

چرخه جابه‌جایی؛ مشکل نیمکت‌ها

دانش فنی تنها مسأله فوتبال ایران نیست؛ ثبات نیز اهمیت زیادی دارد.

در همین فصل، حدود ۱۰ تغییر روی نیمکت تیم‌ها اتفاق افتاده و برخی مربیان برکنارشده در مدت کوتاهی راهی باشگاه‌های دیگری شده‌اند.

مربی‌ای که هر چند هفته یک‌بار از تیمی به تیم دیگر منتقل می‌شود، فرصت کافی برای انتقال دانش، طراحی سیستم بازی و ایجاد هماهنگی میان بازیکنان نخواهد داشت.

این وضعیت چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند: مدیران به‌دلیل نتایج کوتاه‌مدت مربی را تغییر می‌دهند، مربی به‌دلیل نداشتن فرصت کافی نمی‌تواند سیستم مشخصی بسازد و در نهایت، کیفیت فنی تیم‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در چنین شرایطی، مقایسه مربیان ایرانی با همتایان خارجی که معمولاً از قراردادهای بلندمدت‌تر و ثبات بیشتری برخوردارند، چندان منصفانه نیست و برای قضاوت عادلانه باید در ظرف زمان و مکان یکسان، سنجش مورد نظر صورت پذیرد.

مربیان خارجی به واسطه قرارداد دلاری گرانقیمت، معمولاً از حاشیه اطمینان بیشتری در تصمیمات مدیریتی برخوردارند.

فوتبال ایران سال‌هاست با چالش‌های کیفی روبه‌روست

جلالی: لیگ امسال فرصت ارزشمندی برای مربیان بومی است

نقل قول

مجتبی حسین مرشدی
خبرنگار

مجید جلالی، پیشکسوت فوتبال ایران، درباره ویژگی‌های لیگ امسال، حضور پررنگ مربیان داخلی روی نیمکت تیم‌ها را فرصتی ارزشمند برای اثبات توانایی مربیان ایرانی دانست و تأکید کرد این فرصت نیازمند تلاش بیشتر و به‌روزرسانی مستمر دانش فنی آنهاست. او همچنین از میدان‌داری روزافزون بازیکنان جوان در لیگ برتر استقبال کرد و آن را نیازی جدی برای فوتبال ایران توصیف کرد.

جلالی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ویژگی خاص لیگ امسال، یعنی حضور پررنگ مربیان داخلی روی نیمکت تیم‌ها اشاره کرد و گفت: «فوتبال ایران سال‌هاست با چالش‌های کیفی روبه‌روست اما امسال می‌تواند فرصتی برای بهبود باشد. حضور شمار زیادی از مربیان جوان روی نیمکت تیم‌ها، در صورت بهره‌گیری از دانش روز و تشکیل کادرهای فنی توانمند، می‌تواند به ارتقای سطح مسابقات کمک کند.»

او همچنین از میدان‌داری روزافزون بازیکنان جوان در لیگ برتر استقبال کرد و آن را نیازی جدی برای فوتبال ایران دانست.

این پیشکسوت فوتبال ایران تأکید کرد: «بسیار مهم است که سرمربیان، تیم‌های خود را با کادرهای تخصصی و قدرتمند آماده کنند. اگر هر تیم بتواند ساختار فنی مناسبی داشته باشد، بعد از سال‌ها می‌توانیم شاهد رشد کیفیت لیگ باشیم.»

جلالی در ادامه درباره افزایش رقم قراردادها در فوتبال ایران گفت: «بالا رفتن دستمزدها تنها مختص فوتبال ایران نیست و در همه دنیا چنین روندی وجود دارد. در فوتبال جهان رقم قراردادها به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده و این موضوع بخشی از ذات فوتبال حرفه‌ای و بازار نقل‌وانتقالات است.»

او افزود: «با این حال برای کنترل شرایط باید ایده‌ها و قوانین جدیدی ایجاد شود. تجربه نشان داده که طرح‌هایی مانند سقف قرارداد نتوانسته مشکل را حل کند، زیرا وقتی قوانین کامل نباشد، راه‌های دیگری برای عبور از آنها پیدا می‌شود.»



جلالی نقش واسطه‌ها و ایجنت‌ها در نقل‌وانتقالات را نیز مورد اشاره قرار داد و گفت: «ایجنت‌ها بخشی از چرخه فوتبال هستند، اما وقتی قوانین دقیق و شفاف وجود نداشته باشد، مشکلات افزایش پیدا می‌کند. اگر نتوانیم سیستم خودمان را مدیریت کنیم، افراد دیگری از بیرون برای فوتبال تصمیم خواهند گرفت.»

وی درباره جوانگرایی در تیم‌های لیگ برتری نیز اظهار داشت: «جوانگرایی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که بازیکنان جوان در ترکیب اصلی فرصت بازی پیدا کنند. اینکه یک تیم در فهرست ۳۵ نفره چند بازیکن جوان داشته باشد، ملاک نیست؛ مهم این است که چند بازیکن جوان در ترکیب ۱۱ نفره قرار می‌گیرند و فرصت حضور واقعی پیدا می‌کنند.»

مجید جلالی در این خصوص گفت: «معتقدم که ما می‌توانیم مربی‌های خیلی خوبی داشته باشیم در سطح بهترین‌ها و از این بابت به نظر من لیگ فرصت خیلی خوبی نیز برای بازیکنان جوان فراهم کرده است. شما دیدید که حتی در مسابقه‌ای مثل دربی امسال مجموعه‌ای از بازیکنان جوان به میدان رفتند و چقدر هم خوب بازی کردند. در تیم‌های دیگر هم ما تقریباً شاهد استفاده بیشتر از جوان‌ها هستیم و این چیزی است که فوتبال ما به آن خیلی خیلی نیازمند است. امیدوارم که هم مربی‌ها از این جسارتی که به کار بردند بهره‌مند بشوند و هم باشگاه‌ها و در نهایت فوتبال کشور در آینده نتیجه آن را ببینند.»



چه باید کرد؟

برای عبور از این وضعیت، چند اقدام مشخص ضروری است. نخست، ارزیابی سالانه مربیان لیگ برتر باید بر اساس شاخص‌های فنی و قابل اندازه‌گیری انجام شود؛ شاخص‌هایی مانند کیفیت بازی، رشد بازیکنان جوان، ثبات تاکتیکی و توانایی انتقال ایده‌های فنی، نه صرفاً نتایج مسابقات.

دوم، باشگاه‌ها باید به انتخاب مدیر فنی یا مدیر ورزشی توجه بیشتری داشته باشند تا تصمیم‌های مهم فوتبالی به یک فرد وابسته نباشد.

سوم، دوره‌های مربیگری باید ارتباط مستقیمی با میدان مسابقه داشته باشند؛ از بازدید مستمر عملکرد مربیان گرفته تا ارائه گزارش‌های فنی و فراهم کردن امکان ارتقا یا بازنگری مدرک بر اساس توانایی واقعی.

چهارم، باید سازوکاری رسمی برای انتقال دانش از دستیاران خارجی به کادر ایرانی ایجاد شود؛ سازوکاری که در قراردادها و گزارش‌های فنی باشگاه‌ها تعریف شده باشد.

پنجم، فوتبال ایران به صبر نیاز دارد. هیچ نظام آموزشی و فنی در چند ماه به نتیجه نمی‌رسد و تغییر نسل مربیان نیز بدون ثبات مدیریتی و حمایت باشگاه‌ها امکان‌پذیر نیست. مربی ایرانی نه آن‌قدر ضعیف است که بتوان او را مقصر تمام مشکلات فوتبال دانست و نه آن‌قدر قدرتمند که بتوان غیبت مربیان خارجی را موفقیتی قطعی معرفی کرد. آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، شفافیت درباره وضعیت فنی مربیان است؛ اینکه چه تعداد از ۱۸ سرمربی لیگ دارای مدرک پرولایسنس هستند، چه تعداد با دستیار خارجی همکاری می‌کنند و عملکرد آنها بر اساس چه شاخص‌هایی ارزیابی می‌شود.